



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

- وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى. (انفال / ۱۷)

- ز یزدان دان نه از ارکان ، که کوته دیدگی باشد که خطی کز خرد خیزد ، تو آن را از بنان بینی. سنایی

خنده تو

درس هفدهم

نرودا در این شعر با نگاه و بینشی هنری به زندگی می نگرد ، او حیات زیبا و ملموسی را به ما نشان می دهد . حیاتی که ما را از وابستگی های خویش می رهاند و به هستی دل نشینی پیوند می دهد که پاسخ رنج و شادی، عشق و هجران، وصال و حرمان انسان هاست . شعر نرودا تصویری از بینش و نگرش او به زندگی، عشق و شادمانه زیستن است.

نان را از من بگیر، اگر می خواهی، نان ، مجاز از خوردنی / هوا ، مجاز از تنفس ؛ و مجموعاً مجاز از زندگی نماد زندگی مادی.

هوا را از من بگیر، اما

خنده ات را نه. خنده : نماد عشق

گل سرخ : نماد عشق /

گل سوسن : نماد عشق زندگی بدون عشق معنایی ندارد.

چشمانی که با خستگی

تمام ظاهر و باطن دنیا را دیده است (که بی ارزش هستند)

وقتی می خندی / تشخیص: خنده کسی را بجوید

خنده ات در آسمان ها به دنبال من هست (من موجودی آسمانی هستم)

من زندگی تازه ای را آغاز می کنم / درهای زندگی : استعاره (زندگی مانند خانه ای است که در دارد.

به رویم می کشاید.

عشق من، خنده تو

در لحظه هایی که بسیار ناامید دستم / استعاره : خنده تو مانند گلی است که می شکفت.

و اگر دیدی، به نگاه

اگر دیدی مرگ من فرا رسیده است

خون من بر سنگ فرش خیابان جاری است،

و خندایی که در این نزدیکی است / لای این شب بوی پای آن کج بلند...

احمد رمضان زاده

بخند؛ زیر اخنه تو

برای دستان من،

شمشیری است آخته،

آخته : برکشیده ، از غلاف در آمده / تشبیه : خنده تو شمشیری آخته است.

خنده تو برای من مانند شمشیری است که من با آن بر دشواری ها غلبه می کنم .

خنه تو، در پییر

در کثافه دریا

موج کف آلوده اش را

تشبیه : خنده تو مانند دریا باید کف آلوده اش را برافرازد.

خنده تو باید مانند موج و توفانی باشد (به جنبش و قدرت خند در زندگی اشاره دارد

باید برافرازد

و در بهاران، عشق من،

بهاران : هنگام بهار ، « ان » زمان

خنده ات را می خواهم

چون گلی که در انتظارش بودم،

تشبیه: خنده تو مانند گلی است /

گل آبی، گل سرخ کشورم که مرا می خواند. گل آبی و گل سرخ، اشاره دارد به پرچم کشور شیلی که از دو نوار قرمز و آبی شکل گرفته و

نوار سفید دیگری بر بالای آن دو است .رنگ آبی نماد آسمان و اقیانوس آرام است و رنگ قرمز نماد خون های ریخته شده برای

استقلال کشور. شاعر خود در پی گل سرخ است و آنگاه مطلوب خود را با مطلوب کشورش که در پرچم آن آمده، درمی آمیزد تا

بگوید من و کشورم در پی یک مطلوبیم/

بهار، منتظر گل است، چون با آن معنا پیدا می کند؛ من نیز به هنگام بهار منتظر شکوفایی

خنده تو هستم، خنده تو که در پرچم کشورم با دو گل آبی و سرخ (دو نوار آبی و سرخ)

نقش بسته است(وجود من با کشورم معنا می یابد).

بخند بر شب

تناسب : شب ، روز ، ماه (بر همه پدیده ها)

بر روز، بر ماه،

بخند بر چاهچ خیابان های جزیره،

خندیدن بر شب و ماه و خیابان : تشخیص

اما آسمگاه که چشم می کشیم و می بندم،

تضاد : می کشیم و می بندم

آسمگاه که پاییم می روند و بازمی گردند،

تضاد: می روند و باز می گردند

و خندایی که در این نزدیکی است / لای این شب بوی پای آن کج بلند...

احمد رمضان زاده

نان را، هوا را،

نان، هوا، نماد زندگی مادی

روشنی را، بهار را،

روشنی و بهار: نماد زندگی معنوی

از من بگیر

نان، هوا، روشنایی، بهار: عناصر حیات هستند. شاعر این عناصر را در برابر «خنده»

قرار می دهد تا بگوید که حیات بی خنده (عشق) معنایی ندارد؛ گو اینکه بی آنها می توان زیست
اما بی عشق نمی توان.

اما خنده ات را هرگز

تا چشم از دنیا نبندم.

هوا را از من بگیر، خنده ات را! پابلو نرودا

۱- برای واژه «آخته» دو معادل معنایی بنویسید . **بیرون کشیده، برکشیده**

۲- در زبان فارسی، «ان» یکی از نشانه های جمع است؛ مانند کاربرد «ان» در کلمه « یاران »؛ اما کلماتی که با «ان» همراه اند، گاه بر مفهوم «جمع» دلالت نمی کنند؛
به نمونه های زیر توجه کنید :

۱- سحرگاهان (هنگام سحر) بامدادان، پاییزان، شامگاهان

۲- دیلمان (کمان ديلم، کمان زندگی مردم ديلم) گیلان، باختران، خاوران

۳- کوهان (کوهان شتر؛ مانند کوه) ماهان

۴- کاویان: (نوب «کاوه») روان (آب روان)

۵- خواهان (صفت فاعلی)

* مفهوم نشانه «ان» را در واژه های زیر بنویسید .

بهاران (هنگام بهار) خاوران «مشرق» (مکان) بابکان (نهی) خندان (فاعل، حالت)

قلمرو ادبی :

۱- این بخش از سروده «پابلو نرودا» را از نظر کاربرد «نماد» بررسی کنید.

نان را از من بگیر اگر می خواهی / هوا را از من بگیر، اما / خنده ات را نه / گل سرخ را از من بگیر.

نان، هوا: نماد زندگی مادی / گل سرخ: نماد عشق

۲- در این قسمت از متن درس، شاعر از کدام آرایه های ادبی بهره گرفته است؟

«... اما خنده ات که رها می شود / و پرواز کنان در آسمان مرا می جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می گشاید»

تشخیص: خنده کسی را بجوید / تناسب: رها، پرواز، آسمان / در، کشودن

قلمرو فکری :

۱- درک و دریافت خود را از متن زیر بنویسید .

«و اگر دیدی، به ناگاه / خون من بر سنگ فرش خیابان جاری است / بخند، زیرا خنده تو / برای دستان من /، شمشیری است آخته»

خنده معشوق زندگی بخش است

۲- متن درس را با مفهوم سروده زیر مقایسه کنید.

چه خوش فرمود آن پیر خردمند	وزین خوشتر نباشد در جهان پند
اگر خونین دلی از جور ایام	«لب خندان بیاور چون لب جام»
به پیش اهل دل گنجی است شادی	که دستاورد بی رنجی است شادی
به آن کس می رسد زین گنج بسیار	که باشد شادمانی را سزاوار

چو گل هرجا که لبخند آفرینی به هر سو رو کنی لبخند بینی
مشو در پیچ و تاب رنج و غم، گم به هر حالت تبسم کن، تبسم

فریدون مشیری

گنج حکمت

مسافر

دلم می خواهد بر بال های باد بنشینم و آنچه را که پروردگار جهان پدید آورده، زیر پا گذارم تا مگر روزی به پایان این دریای بی کران رسم و بدان سرزمین که خداوند سرحدّ جهان خلقتش قرار داده است، فرود آییم. از هم اکنون، در این سفر دور و دراز، ستارگان را با درخشندگی جاودانی خود می بینم که راه هزاران ساله را در دل افلاک می پیمایند تا به سرمزل غایی سفر خود برسند اما بدین حد اکتفا نمی کنم و همچنان بالاتر می روم. بدانجا می روم که دیگر ستارگان افلاک را در آن راهی نیست. در یک جاده خلوت، رهگذری به من نزدیک می شود؛ می پرسد: «ای مسافر، بایست! با چنین شتاب به کجا می روی؟» می گویم: «دارم به سوی آخر دنیا سفر می کنم. می خواهم بدانجا روم که خداوند آن را سرحدّ دنیای خلقت قرار داده است و دیگر در آن ذی حیاتی نفس نمی کشد.» می گوید: «اوه، بایست؛ بیهوده رنج سفر بر خویش هموار مکن. مگر نمی دانی که داری به عالمی بی پایان و بی حدّ و کران قدم می گذاری؟»

ای فکر دور پرواز من، بال های عقاب آسایت را از پرواز بازدار و تو ای کشتی تندرو خیال من، همین جا لنگر انداز؛ زیرا برای تو بیش از این اجازه سفر نیست.

یوهان کریستف فریدریش شیلر

قلمرو زبانی :

زیر پا بگذارم : طی بکنم / سرحد : مرز، کرانه / افلاک : ج فلک ، آسمان ها / غایی : منسوب به غایت ، نهایی / ذی حیات : دارای حیات ، جاندار /

قلمرو ادبی:

استعاره : باد مانند پرنده ای است که بال دارد. / دریای بیکران : دنیا مانند دریایی است. / تشخیص : دل افلاک : افلاک مانند انسانی است که دل دارد. / ای فکر (هر موجودی غیر از انسان مورد خطاب گیرد ؛ تشخیص است) ای خیال /

تشبیه : بال ها مانند عقاب هستند / خیال مانند کشتی تندرو است /